



حق برخورداری کودکان از آزادی

فاطمه سلیمانی*

سعید محسنی**

سید محمد مهدی قبولی درافشان***

چکیده

حق آزادی از جمله مهم‌ترین حقوق اساسی است که اجمالاً در کلیه نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و اسناد بین‌المللی متعددی نیز بر آن تأکید نموده‌اند. این حق در مورد کودکان تبلور ویژه‌ای دارد زیرا آنان از سویی، مستحق برخورداری از آزادی و جلوه‌های مختلف آن (آزادی فکر و عقیده، آزادی در بیان عقاید، آزادی شرکت در فعالیت‌های مختلف و آزادی در حریم خصوصی) هستند و از سوی دیگر، حق برخورداری از تربیت صحیح داشته و به دلیل ناتوانی‌های جسمی و عدم رشد کامل عقلانی نیازمند حمایت‌های ویژه می‌باشند که لاجرم تحدید آزادی‌های عمومی آنان را در پی دارد.

اصل این مهم در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله کنوانسیون حقوق کودک مورد پذیرش قرار گرفته، لیکن آنچه اهمیت دارد، بیان حدود و ثغور آزادی‌های مزبور است. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران در مقام الحاق به کنوانسیون مزبور، از حق شرط استفاده نموده و اعمال کنوانسیون را مقید به عدم مخالفت با موازین شرعی و قانونی دانسته، در این پژوهش به بررسی حق کودکان در برخورداری از آزادی و حدود و ثغور آن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: کودک، آزادی، بیان، عقیده، انجمن‌ها و مجامع
مسالمت‌آمیز، حریم خصوصی

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه فردوسی مشهد و دادیار دادرسی عمومی و انقلاب مشهد.
پست الکترونیک: fateme@yahoo.com - ۶۱

** دکترای تخصصی حقوق خصوصی، دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد، وکیل پایه یک دادگستری.
پست الکترونیک: s-mohseni@um.ac.ir

*** دکترای تخصصی حقوق خصوصی، دانشیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد،
پست الکترونیک: ghaboli@um.ac.ir



مقدمه

حق آزادی از مبنایی ترین حقوق شناخته شده برای بشر است. دین مبین اسلام نیز فی الجمله حق آزادی را به رسمیت شناخته و در موارد متعدد، آن را تأیید و بر آن تأکید نموده است. در واقع براساس آموزه‌های دینی، انسان آزاد آفریده شده و مختار است آزادانه مسیر حرکت خود را تعیین نماید البته همین آموزه‌ها در عین حال هدف از خلقت و آفرینش انسان را مشخص و راه‌های رسیدن به آن را تعیین کرده‌اند، بنابراین پذیرش آزادی در اسلام و در هیچ فرهنگ پیش‌رفته‌ای بدون محدودیت و رهایی از هرگونه قیدی نیست.

کودک نیز به عنوان عضوی از جامعه بشری به مثابه سایر افراد جامعه از حق آزادی برخوردار است، به ویژه اینکه پذیرش آزادی بر نحوه تربیت و رفتار او دارای تأثیر مثبت است لیکن شرایط طبیعی کودکان و عدم بلوغ کامل فکری آنان، حمایت بیشتر را از ایشان اقتضا می‌کند، بنابراین اصل آزادی مزبور باید در چارچوب اصول پذیرفته شده دیگر از جمله حق و تکلیف والدین در تربیت کودکان تفسیر شود، البته واضح است که این حقوق مربوط به آن دسته از کودکانی است که تا حدی استقلال فکری و توانایی کسب اعتقادات و برگزیدن دیدگاه‌هایی برای خود دارند. به دیگر سخن، سخن از آزادی کودکان منصرف از کودکان غیرممیز است.

کنوانسیون حقوق کودک که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ به آن پیوسته، نیز در مواد ۱۲ تا ۱۷ خود به صراحت از آزادی کودکان سخن گفته است البته نکات پیش گفته باعث شد که شورای نگهبان در مقام تأیید قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، ملاحظاتی را اعمال نماید و متعاقباً با رعایت و اعمال این ملاحظات توسط مجلس شورای اسلامی، قانون مزبور به تأیید برسد.

آزادی کودکان جنبه‌های گوناگون دارد، لیکن برخی از انواع آزادی دارای اهمیت بیشتری است. در این میان از سویی، آزادی در بیان عقاید (مبحث نخست) و از سوی دیگر، آزادی فکر، عقیده و انتخاب مذهب (مبحث دوم) شایسته بررسی است، به علاوه آزادی کودکان برای شرکت در انجمن‌ها و مجامع مسالمت‌آمیز (مبحث سوم)، همچنین حق ایشان در برخورداری از حریم خصوصی و منع دیگران از ورود به حریم مزبور (مبحث چهارم) دارای اهمیت بوده که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

مبحث نخست: آزادی در بیان عقاید

یکی از انواع آزادی‌های مشروع کودکان، آزادی بیان است یعنی این که کودکان



بتوانند آزادانه، اندیشه‌ها و احساسات و عواطف خود را به طرق مرسوم و ممکن بیان کنند. با طرح این نظرات و اندیشه‌هاست که کودک و به تبع، جامعه در مسیر رشد و تعالی قرار می‌گیرد و بالعکس سلب این آزادی، موجب رکود افکار و علوم بشری بوده و حرکت تکاملی کودک و جامعه را مختل خواهد نمود.

ماده ۱۲ کنوانسیون حقوق کودک در این باره مقرر می‌دارد:

«۱- کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند کرد کودکی که قادر به شکل دادن به عقاید خود می‌باشد، بتواند این عقاید را آزادانه درباره تمام موضوعاتی که مربوط به وی می‌باشد، ابراز کند. به نظرات کودک مطابق با سن رشد وی، بها داده می‌شود. ۲- بدین منظور، خصوصاً برای کودک فرصت‌هایی فراهم آورده می‌شود تا بتواند در هر یک از مراحل دادرسی‌های اجرایی و قضایی مربوط به وی، به طور مستقیم یا از طریق یک نماینده یا شخصی مناسب به طریقی که مطابق با مقررات اجرایی قوانین ملی باشد، ابراز عقیده نماید.»

همچنین ماده ۱۳ این کنوانسیون مقرر می‌کند: «۱- کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده می‌باشد. این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد. ۲- اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیت‌های خاصی باشد اما این محدودیت‌ها فقط منحصر به مواردی است که در قانون تصریح شده و ضرورت دارند. الف- برای احترام به حقوق یا آبروی دیگران ب- برای حفاظت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا به خاطر سلامت عمومی و مسایل اخلاقی.»

در اسناد بین‌المللی دیگری نیز از این حق سخن به میان آمده است، برای مثال ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل مقرر می‌دارد: «هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»

همچنین در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ قاهره آمده است: «۱- هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند. ۲- هر انسانی حق دارد برای خیر و نهدی از منکر بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند. ۳- تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی



که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا موجب زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است. ۴- برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.»

همچنین ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل که در سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا گردید و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ و ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۱۹۸۱، از آزادی بیان سخن گفته‌اند.

در قوانین جمهوری اسلامی ایران به صراحت از این حق کودکان سخن به میان نیامده است، البته پاره‌ای از اصول قانون اساسی به حق برخورداری دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی از این حق اختصاص یافته، برای نمونه اصل ۲۴ این قانون از آزادی نشریات و مطبوعات در بیان آزادانه مطالب سخن گفته است؛ اصل ۸۶ نیز از حق نمایندگان مجلس در اظهار آزادانه نظراتشان سخن به میان آورده، همچنین اصل ۱۷۵ نیز به آزادی بیان در صدا و سیما اشاره داشته، البته اعمال این آزادی مشروط به رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور شده است.

همچنان که ملاحظه می‌شود در اکثر اسناد بین‌المللی و نیز در قوانین داخلی، اعمال این حق با محدودیت‌هایی همراه است. به عنوان نمونه، محدودیت‌های مذکور در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی عبارتند از: الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی.

در کنوانسیون حقوق کودک نیز احترام به حقوق یا آبروی دیگران و حفاظت از امنیت ملی، نظم و سلامت عمومی و مسایل اخلاقی، محدودیت‌هایی است که در اعمال این حق لازم‌الرعايه می‌باشد و البته اعمال این محدودیت‌ها منطقی است. هر چند حق برخورداری از تفکر و بیان آزادانه عقاید جزء حقوق مشروع همه انسان‌ها به شمار می‌آید، لکن «آنجا که فکر جنبه مجرمانه به خود بگیرد یعنی مخل نظم عمومی، امنیت ملی، اخلاق حسنه و حقوق و آزادی‌های دیگران شود، منطقیاً قابل تحمل و در خور احترام نخواهد بود.»^۱

لازم به ذکر است در نظریه شماره ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ شورای نگهبان، بند ۱ ماده ۱۲، بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۳ و بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴، بند ۲ ماده ۱۵، بند ۱ ماده ۱۶ و بند ۲ قسمت یک ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک، مغایر موازین شرع شناخته شد و در نهایت براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای نگهبان نیز



رسید، کنوانسیون حقوق کودک تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده شد، مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد^۱.

برخی از حقوق‌دانان^۲ کلی بودن این حق شرط را که علاوه بر ایران، شماری از کشورهای اسلامی نیز آن را اعلام کرده‌اند، نقض غرض و مغایر با اهداف کنوانسیون دانسته‌اند زیرا این کشورها به جای سازگار کردن قوانین داخلی خود با کنوانسیون، فقط به مفادی از کنوانسیون متعهد شده‌اند که با قوانین داخلی آن‌ها مغایرت ندارد، البته در پاسخ به این ایراد باید گفت که حق شرط پیش‌بینی شده توسط ایران، موجب بی‌اثر شدن الحاق به کنوانسیون نیست، زیرا به موجب شرط مزبور فقط موادی از کنوانسیون غیرقابل پذیرش اعلام شده که در تعارض و تقابل با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا بعداً در تعارض و تقابل قرار گیرد، لیکن لازم نیست که مقررات مزبور مطابق با قوانین و موازین مذکور باشد. به دیگر سخن، در مواردی که قوانین داخلی و موازین اسلامی متضمن حکم خاصی نباشند، تبعیت از کنوانسیون الزامی و در نتیجه الحاق به کنوانسیون دارای اثر عملی است.

در حال حاضر با توجه به جمیع شرایط فوق، با این سؤالات اساسی مواجهیم که آیا رعایت مفاد مواد ۱۲ و ۱۳ کنوانسیون، از سوی دولت ایران لازم‌الرعايه است یا خیر؟ علت مغایر دانستن مواد مذکور با موازین شرع چه بوده است و به راستی آزادی بیان در اسلام چه جایگاهی دارد؟

براساس آموزه‌های این دین، اسلام برای آزادی بیان، اصالت و قداست ممتازی قایل شده، آن را به رسمیت شناخته و از آن به عنوان ابزاری برای شکوفایی اندیشه و رشد و تعالی مادی و معنوی بشر یاد می‌کند؛ در دیدگاه اسلامی، ممنوع کردن انسان از این نعمت الهی، بزرگ‌ترین تجاوز به طبیعی‌ترین و فطری‌ترین حق انسانی اوست^۳.

در آیات متعددی از قرآن کریم به ضرورت وجود این حق اشاره شده است. از جمله در آیه ۱۱۱ سوره بقره آمده است: «قل هاتوا برهانکم إن کنتم صادقین»؛ در این آیه، خداوند متعال در برخورد با مخالفان، آنان را به «بیان» دلایل خود فرا می‌خواند و در واقع به برخورداری مخالفان از حق آزادی بیان اشاره دارد، همچنین در آیات ۳ و ۴ سوره الرحمن، از «بیان» به عنوان نعمتی که خداوند بلافاصله بعد از خلقت انسان به او

۱- پورقهرمانی گلپه، ۱۳۸۳، ص ۸۲.

۲- مهرپور، ۱۳۷۷، صص ۱۴۷-۱۴۸.

۳- محمدی، ۱۳۹۱.



عنایت فرمود، یاد می‌کند.

در سیره ائمه معصومان نیز همواره به وجود این حق تأکید شده است، همچنان که حضرت علی(ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می‌فرماید: «بخشی از وقت خود را برای کسانی که به تو نیاز دارند، اختصاص بده و شخصاً به امور آنان رسیدگی کن و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش. سربازان و یاران و نگهبانان خود را از آنان دور کن تا سخنگوی آنان بتواند بدون اضطراب و لکنت زبان با تو گفتگو کند. من از رسول خدا(ص) بارها شنیدم که می‌فرمود هرگز امتی را گرامی نخوانند که در آن امت بی آنکه بترسند و در گفتار درمانند، حق ناتوان را از زورمندان نستانند»^۱.

ویژگی نظام آزادی‌ها در اسلام این است که دیدگاه خاصی نسبت به هستی و زندگی دارد؛ اسلام نظریه آزادی برای آزادیت را ترویج و تشویق نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد آزادی باید در خدمت پیشرفت و تحول و ابداع و حرکت تاریخ باشد، پس آزادی بیان نیز باید در راستای همین نظام بشری باشد و اگر نظام آزادی‌ها در اسلام مبتنی بر ایمان به خداوند است، طبیعی است که نهایت آزادی نیز هیچ‌گاه از این نظام نباید فراتر برود و به توهین به خداوند و کتاب‌های آسمانی و پیامبران گرامی بینجامد بلکه آزادی صرفاً ابزاری برای پیشرفت و تکامل است، بنابراین طبیعی است که نظام اسلامی برای آزادی بیان، قایل به محدودیت‌هایی است همچنان که جوامع امروز در غرب و شرق عالم بدان معتقدند.

نکته حایز اهمیت این است که امروزه آزادی یا دموکراسی بیش از آنکه یک معنا و مفهوم برای یک ارزش انسانی باشد، یک ابزار تبلیغاتی برای فریب و سلطه سیاسی است، به عنوان مثال در نگاه غرب هرگونه مخالفتی با نظام حاکم بر کشور مخالف آن‌ها، آزادی بیان نامیده می‌شود اما اگر همین رفتار علیه حکومت خودشان شود، نامش را «آنارشسیسم و تروریسم» می‌گذارند^۳.

با توجه به آموزه‌های دینی، محدودیت‌هایی به شرح ذیل برای آزادی بیان قابل تصور است: «۱- ممنوعیت توهین به مقدسات اسلامی ۲- ممنوعیت هتک افراد ۳- لزوم حفظ اصول و موازین اخلاقی ۴- ممنوعیت توطئه و براندازی ۵- ضرورت حفظ نظام جامعه و قانون»^۴.

۱- ترجمه دشتی، ۱۳۸۵، ص ۴۱۵.

۲- بینات، ۱۳۹۲.

۳- شبیه، ۱۳۹۲.

۴- محمدی، ۱۳۹۱.

مسأله قابل توجه دیگر در خصوص مواد ۱۲ و ۱۳ کنوانسیون، محدود کردن نظارت بر کودک است. مطابق آموزه‌های اسلام و سیره تربیتی معصومان (علیهم السلام) نظارت و مراقبت بر رفتار فرزندان از همان سال‌های اولیه لازم است زیرا تربیت فرزند مانند پرورش نهالی است که نیاز به مراقبت دارد و یکی از ارکان مدیریت موفق در تربیت کودک، نظارت و کنترل است البته این نظارت و مراقبت در هفت سال اول بیشتر غیرمستقیم و از طریق کنترل رفتارهای خود والدین، در مقابل آنان است و در سال‌های بعد به تدریج این نظارت به طور مستقیم اعمال می‌شود.

بنابراین اعطای آزادی مطلق در مواد مورد اشاره نه تنها به نفع کودکان نخواهد بود، بلکه با توجه به عدم رشد کامل عقلی او و از سوی دیگر، اعطای آزادی‌های بی قید و شرط به ایشان و ممنوع دانستن نظارت والدین، آنچنان که بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۶ کنوانسیون، به صراحت به آن اشاره دارد، باعث آشفتگی فکری و روانی کودک و اختلال در شخصیت او خواهد شد و اساساً علت تمام حمایت‌های به عمل آمده از کودک به لحاظ خصیصه کودکی و عدم رشد عقلی وی می‌باشد که این خود ضرورت حمایت و مراقبت همه‌جانبه را از او توجیه می‌نماید و البته از مهم‌ترین ابعاد این مراقبت، مراقبت و حمایت فکری از کودک است، بنابراین با عنایت به حق شرط جمهوری اسلامی ایران در الحاق به کنوانسیون، اجرای مواد ۱۲ و ۱۳ آن منوط به رعایت قیود پیش گفته خواهد بود.

مبحث دوم: آزادی فکر، عقیده و انتخاب مذهب

ماده ۱۴ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد:

«۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق آزادی فکر و عقیده و مذهب را برای کودک،

محترم خواهند شمرد.

۲- کشورهای طرف کنوانسیون حقوق و وظایف والدین و سایر سرپرستان قانونی کودک را برای هدایت کودک در جهت اعمال حقوق وی، به طریقی که باعث اعتلای استعدادها و توانایی‌های کودک شود، محترم خواهند شمرد.

۳- آزادی ابراز عقیده و مذهب فقط طبق محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و برای حفظ امنیت، نظم، سلامت و اخلاقیات عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران لازم است، محدود می‌شود.»

همچنان که اشاره شد بندهای ۱ و ۳ ماده مذکور، از جمله ایرادات شورای نگهبان به مفاد کنوانسیون بود که البته به جز جمهوری اسلامی ایران، برخی دیگر از کشورها نیز



به مفاد ماده فوق اعتراض داشته و آن را با وجود حق شرط‌هایی پذیرفتند: «از جمله دولت و اتیکان اعلام کرد مفاد ماده ۱۴ را به گونه‌ای می‌پذیرد که حقوق اساسی و غیر قابل سلب والدین، محفوظ باشد.»^۱

همچنین «دولت مصر اعلام کرده که ماده ۱۴ کنوانسیون را نپذیرفته است. مراکش نیز نسبت به ماده ۱۴ از حق شرط استفاده کرده است. دولت الجزایر نیز اعلام داشته که بندهای ۱ و ۳ ماده ۱۴ را بر اساس قانون اساسی و قوانین داخلی خود تفسیر می‌کند. دولت اندونزی نیز اعلام کرده که مقررات ماده ۱۴ را در حدود قانون اساسی خود اجرا می‌کند.»^۲

برخی علت مخالفت جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای اسلامی را با مفاد ماده فوق در این می‌دانند که «در آموزه‌های دین اسلام، کودک از نظر دین تابع پدر و مادر، اگر هر دو مسلمان باشند، یا تابع یکی از آن دو، هر کدام که مسلمان باشند، خواهد بود.» اما در مقابل عده‌ای با تکیه بر قواعد و مبانی عمومی فقه مبنی بر این که «عقل شرط تکلیف است» بر این باورند که کودک تا قبل از بلوغ دارای هیچ دینی نیست و تنها پس از بلوغ است که می‌توان به دین او اعتنا کرد و آن را دارای آثار و نتایج دانست، همچنان که شافعی معتقد به این نظر می‌باشد.^۳

برخی^۴ بر این باورند که «در اسلام آزادی تفکر هست و آزادی عقیده‌ای که بر مبنای تفکر درست شده باشد، هست اما آزادی عقیده‌ای که مبنای آن فکر نیست، هرگز در اسلام وجود ندارد؛ آن آزادی معنایش آزادی بردگی است، آزادی اسارت است، آزادی زنجیر در دست و پا قرار دادن است؛» بر مبنای این نظر میان آزادی عقیده و آزادی تفکر فرق است، تفکر همان استعداد بشری است که می‌تواند بیندیشد اما هر عقیده‌ای ناشی از تفکر نیست. بسیاری از عقاید بشر ناشی از یک سلسله عادت‌ها، تقلیدها و تعصب‌هاست، این نوعی انعقاد فکر است^۵ که توسط افراد سودجو و استثمارگر و به منظور به زنجیر کشیدن افراد دیگر و آگاهانه صورت می‌پذیرد.^۶

در تأیید این نظر می‌توان به این حکم اجماعی در فقه اشاره نمود که هر چند در فروع دین، اشخاص بر سه دسته (مجتهد، محتاط و مقلد) هستند، لیکن در اصول دین و عقاید، افراد باید با دلیل و منطق به نتیجه برسند و تقلید در این خصوص جایز نیست؛

۱- مهرپور، ۱۳۷۷، ص ۱۴۲.

۲- مهرپور، ۱۳۷۷، صص ۱۴۷-۱۴۳.

۳- غنوشی، ۱۹۴۱، ص ۳۳.

۴- مطهری، ۱۳۸۵، ص ۳۸۱.

۵- مطهری، ۱۳۸۵، صص ۱۲۰-۱۲۱.

۶- همان، ص ۳۷۳.



این حکم مهم شرعی اسلام، تأیید و تأکید بر اصل آزادی در عقاید است، البته اصل مزبور مقید به منطوق و استدلال است.

به نظر می‌رسد شناسایی حق آزادی فکر، عقیده و انتخاب مذهب برای کودک مقید به امور دیگر نیز می‌باشد، در واقع کودک به لحاظ عدم رشد کامل عقلی، ضرورتاً قادر به انتخاب صحیح نمی‌باشد بلکه در این زمینه، نیازمند تربیت و تعلیم است تا به تدریج و با رشد کامل عقلی بتواند مسیر حرکت و اصول زندگی خود را به درستی انتخاب کند و این همان چیزی است که شرع مقدس اسلام بر آن تأکید دارد.

با توجه به این مطالب، برخی نویسندگان در مقام تعدیل ماده ۱۴ کنوانسیون، بیان داشته‌اند آن چه کنوانسیون، تحت عنوان آزادی فکر، عقیده و مذهب به کودکان اعطا می‌نماید، این است که کودک به طور نامعقولی تحت فشار برای اجرای بعضی از شعائر مذهبی قرار نگیرد و به او فرصت داده شود تا با ارشاد از ناحیه والدین خود، به نحوی پرورش یابد که پس از رسیدن به سن بلوغ، آزادانه به عقیده و ایمانی پایبند گردد و مذهبی را که مآلاً همان مذهب والدین خواهد بود، با بینشی واقع‌بینانه برگزیند^۱.

مبحث سوم: حق شرکت در انجمن‌ها و مجامع مسالمت‌آمیز

آزادی اجتماعات از جمله آزادی‌های اساسی به شمار می‌آید که خود شامل دو نوع آزادی می‌باشد: آزادی اجتماع عمومی و آزادی مجامع و انجمن‌ها. آزادی اجتماع عمومی عبارت است از گردآمدن موقت گروهی از افراد برحسب قرار و یا دعوت قبلی در محل معینی. آزادی مجامع و انجمن‌ها نیز عبارت است از این که افراد بتوانند آزادانه دور هم گرد آیند و با تشکیل جمعیتی، مساعی خود را به طور گروهی و مستمر برای نیل به یک هدف معنوی و یا غیر آن به کار بیندازند^۲.

اصل بیست و ششم قانون اساسی در این باره مقرر می‌دارد: «احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند؛ هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت».

ماده ۱۵ کنوانسیون حقوق کودک نیز مقرر می‌دارد: «۱- کشورهای طرف کنوانسیون، حقوق کودک را برای آزادی تشکیل اجتماعات و مجامع مسالمت‌آمیز به رسمیت می‌شناسد. ۲- به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده یا محدودیت‌هایی

۱- ابدالی، ۱۳۷۴، ص ۱۹.

۲- طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۵، صص ۹۵ و ۹۸.



که برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی و اخلاقیات یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد».

لازم به ذکر است تشکیل مجامع و انجمن‌ها ممکن است با اهداف تجاری و یا غیر آن مانند امور فرهنگی، علمی، ادبی و یا امور خیریه صورت پذیرد، لکن اصولاً این مجامع و انجمن‌ها با اهداف غیر تجاری و به منظور نشر و ترویج افکار و عقاید شکل می‌گیرد، به همین دلیل آزادی انجمن‌ها و مجامع جزء آزادی افکار به شمار می‌آید؛ منظور ما نیز در این مبحث انجمن‌ها و مجامع غیر تجاری می‌باشد.

همچنان که اشاره شد، به موجب اصل ۲۶ قانون اساسی، تشکیل این مجامع و انجمن‌ها آزاد است البته جزئیات مربوط به نحوه تشکیل، حدود فعالیت و انحلال آن‌ها به موجب قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۷ شهریور ۱۳۶۰ مشخص گردیده است. بر مبنای این حق شناخته شده در قوانین، امروزه شاهد شکل گرفتن تشکل‌های متعدد دانش‌آموزی در مدارس کشور هستیم، به نحوی که این تشکل‌ها، نقش قابل توجهی را در فعالیت‌های تربیتی و فوق برنامه دانش‌آموزان برعهده گرفته‌اند، از جمله این تشکل‌ها می‌توان به سازمان دانش‌آموزی، بسیج دانش‌آموزی، شورای دانش‌آموزی، انجمن اسلامی، انجمن‌های علمی، المپیادها و جشنواره‌های خوارزمی اشاره کرد، حتی در راستای هماهنگی و تعامل این تشکل‌ها، شاهد شکل گرفتن شورای هماهنگی تشکل‌های دانش‌آموزی هستیم.

در ماده یک اساسنامه سازمان دانش‌آموزی که در ۱۳۷۸/۲/۲۱ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، چنین آمده است: «به منظور اعتلای شخصیت دینی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی، علمی و اجتماعی دانش‌آموزان و ایجاد زمینه مشارکت همه جانبه آنان در زمینه‌های اعتقادی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ورزشی و هنری، سازمانی عمومی و غیر دولتی با عنوان سازمان دانش‌آموزی جمهوری اسلامی ایران و با مقررات خاص تحت نظارت وزارت آموزش و پرورش تشکیل می‌شود.»

ماده ۲ این اساسنامه اهداف تشکیل این سازمان را بدین ترتیب بیان می‌دارد: «الف- زمینه‌سازی تعلیم و تربیت اسلامی دانش‌آموزان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی برای کسب فضایل اخلاقی و کمالات انسانی براساس تعالیم عالییه اسلام ناب محمدی (ص) ب- زمینه‌سازی برای بسط مشارکت فعال دانش‌آموزان در عرصه‌های مختلف انقلاب و کشور ج- برنامه‌ریزی برای استفاده مفید از اوقات فراغت دانش‌آموزان و آماده‌سازی



آنان برای پذیرش مسؤولیت‌های فردی و اجتماعی د- ترویج الگوها و اسوه‌های انقلابی، اسلامی و ملی در بین دانش‌آموزان ه- تقویت روحیه تعاون، نیکوکاری، نوع دوستی و کمک به دیگران و ترغیب به رعایت نظم و انضباط اجتماعی و روحیه قانون‌گرایی و احترام به قانون در جامعه و- مشارکت در ارتباطات بین‌المللی دانش‌آموزان به ویژه با دانش‌آموزان کشورهای اسلامی ز- ایجاد علاقه و ایمان به فرهنگ خودی، خودباوری و توجه به شعار نه شرقی و نه غربی.»

آنچه در این رابطه، شایان توجه است، محدوده آزادی کودکان در اعمال این حق می‌باشد. در این رابطه بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون به محدودیت‌هایی اشاره کرده است. به موجب این بند، «۲- به غیر از محدودیت‌هایی که در قانون تصریح شده و یا برای حفظ منافع امنیت ملی یا امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت عمومی، اخلاقیات و یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری است، هیچ محدودیتی در اعمال این حقوق وجود ندارد.» البته محدودیت‌های مذکور در این ماده جامع نمی‌باشد و در آن هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقش نظارتی والدین نشده است؛ همچنان که گذشت این بند مورد ایراد شورای نگهبان واقع گردید. در قوانین داخلی ایران نیز محدودیت‌هایی وجود دارد، در واقع براساس اصل ۲۶ قانون اساسی و ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی این محدودیت‌ها مشخص شده است.

براساس اصل ۲۶ قانون اساسی، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها از سویی، مقید به عدم حمل سلاح بوده و از سوی دیگر، منوط به این است که مخل به مبانی اسلام نباشد. به موجب این اصل، «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است.»

محدودیت‌های مقرر در ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی نیز عبارتند از ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود؛ هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، و تبانی و مواضعه با سفارت‌خانه‌ها، نمایندگی‌ها و ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد، دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان، نقض آزادی‌های مشروع دیگران، ایراد تهمت، افترا و شایعه‌پراکنی، نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران، نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره، اختفا و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز.



همچنان که ملاحظه می‌شود نه در قوانین داخلی و نه در کنوانسیون حقوق کودک، هیچ‌گونه محدودیتی از جهت نقش نظارتی والدین پیش‌بینی نشده، در حالی که با توجه به فلسفه اعطای این حق به کودکان که همان رشد و بالندگی آنان است، شایسته بود این مهم در نظر گرفته شود تا از خطرات و عواقب ناخواسته آن، از جمله تبدیل به ابزار سیاسی شدن کودکان، جلوگیری به عمل آید تا والدین زمینه‌های بهره‌برداری صحیح را از این حق برای فرزند خود مهیا سازند.

مبحث چهارم: حق برخورداری از حریم خصوصی

از دیگر حقوق مؤثر در تربیت کودکان، حق بر حریم خصوصی یا حق خلوت آنان است. ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک در این باره مقرر می‌دارد: «۱- در امور خصوصی، خانوادگی یا مکاتبات هیچ کودکی نمی‌توان خودسرانه یا غیرقانونی دخالت کرد یا هتک حرمت نمود. ۲- کودک در برابر این‌گونه دخالت‌ها یا هتک حرمت‌ها مورد حمایت قانون قرار دارد.» همچنین براساس بند ۲ ماده ۴۰ کنوانسیون، «هر کودکی که متهم یا مظنون به نقض قانون کیفری شود، حداقل دارای تأمین‌های زیر خواهد بود: ... ۷- در تمام مراحل دادرسی، حریم شخصی و خصوصی او محفوظ بماند.»^۱ در بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز آمده است: «هر کس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی حفظ شود.» ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به این موضوع اشاره دارد.

در مفهوم اصطلاحی، حریم خصوصی همان حق خلوت است، بدین معنا که هر انسانی حق دارد از یک چارچوب محافظت شده امن و خالی از اغیار برخوردار باشد که در دو حوزه حریم فیزیکی و حریم اطلاعاتی قابل بحث و بررسی است. در دین مبین اسلام نیز اصل این حق مورد تأیید قرار گرفته است. قرآن مجید در آیه ۱۲ سوره حجرات و در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور از آن سخن گفته است؛ در آیه ۱۲ سوره حجرات چنین می‌خوانیم: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند ...».

آیه‌های ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه نور نیز در خصوص حریم خصوصی چنین فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل

۱- پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۴۲.



مشوید تا اجازه بگیریید... (۲۷) و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر به شما گفته شد برگردید، برگردید... (۲۸)»

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی به مصادیق مختلفی از این حق اشاره داشته است، به عنوان نمونه اصل ۲۲ به حریم خصوصی مسکن اشاره دارد. اصل ۲۳ مربوط به حریم خصوصی عقاید است و اصل ۲۵ راجع به حریم خصوصی مکاتبات و مخابرات می باشد.

قوانین عادی متعددی نیز حق مورد بررسی را مورد توجه قرار داده است. در این راستا، مواد ۹۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰ و ۱۰۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۱، به مصونیت از حریم خصوصی افراد در جریان تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم اشاره دارد، همچنین مواد ۶۴۸، ۵۷۰، ۵۸۰، ۵۸۲ و ۶۹۱ قانون تعزیرات نیز ضمانت اجراهای کیفری را برای تعرض مأموران دولتی و سایر اقشار عادی جامعه به حریم خصوصی دیگران در نظر گرفته است، به علاوه ماده ۳ و ماده ۱۷ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز برای متعرضان به حریم اطلاعاتی دیگران، تعیین کیفر کرده است. ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ نیز حوزه‌هایی از حریم خصوصی را مورد توجه قرار داده است. مسأله قابل توجه در ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک، بند ۱ این ماده است، همچنان که گذشت این ماده مورد ایراد و انتقاد شورای نگهبان نیز قرار گرفت زیرا برای حق نظارت و مراقبت والدین هیچ‌گونه استثنایی در آن پیش‌بینی نشده و یا برای بهداشت و سلامت عمومی یا امور اخلاقی کودک هیچ محدودیتی در نظر گرفته نشده است.

مخصوصاً در عصر امروز که فناوری‌های جدید کنترل حریم خصوصی را به موضوع پیچیده‌تری تبدیل کرده و جهانی شدن و محو مرزهای میان ملت‌ها، بیش از پیش کودکان را در معرض تأثیر و آسیب قرار داده است، بنابراین قائل شدن حق بر حریم خصوصی، برای این قشر آسیب‌پذیر جامعه، باید در کنار حق والدین مبنی بر تربیت و مراقبت از او و همراه با آن باشد، در نتیجه لازم است «در صورت تعارض بین این دو حق با در نظر گرفتن معیار اصلی در منافع عالی‌ه کودک مندرج در ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، حق کودک بر تربیت را که به عنوان حق و تکلیف والدین نیز شناخته شده است، در اولویت قرار دهیم.»^۱ البته مراقبت و نظارت باید به گونه‌ای باشد که با احترام و شخصیت‌دهی به فرزند و با اصل استقلال در تربیت منافات نداشته باشد، بلکه زمینه‌های رشد و ارتقای شخصیت وی را فراهم کند.



نتیجه

حق آزادی از حقوق مسلم شناخته شده برای بشری است. کودکان ممیز نیز همانند سایر آحاد جامعه از این حق خدادادی که در تربیت ایشان نیز دارای تأثیر می‌باشد، برخوردارند. آزادی کودکان در بیان اندیشه‌ها، احساسات و عواطف خود، موجب رشد و تعالی ایشان و به تبع، بالندگی جامعه خواهد بود. آیات متعدد قرآن و روایات مختلف ائمه اطهار(ع) نیز بر حق آزادی و شرافت آن تأکید و تأیید دارند و در عین حال که آزادی انسان را شرط لازم برای تکامل او دانسته، هدف از خلقت و آفرینش انسان را مشخص و راه‌های رسیدن به آن را تعیین کرده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی بسیاری نیز بر این حق اساسی صحه گذاشته‌اند.

شایان ذکر است در شریعت اسلام، پذیرش آزادی عاری از محدودیت نیست. متون قانونی نیز در نظام حقوقی ایران برخی محدودیت‌ها را مقرر نموده است، به دیگر سخن، آزادی فی‌نفسه ارزش نبوده بلکه ابزاری برای پیشرفت و تکامل است؛ این امر به ویژه در مورد کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا آنان به دلیل عدم بلوغ کامل فکری، در معرض مخاطرات بیشتر بوده و نیازمند حمایت هستند. باید اصل آزادی کودکان را در چارچوب سایر اصول پذیرفته شده از جمله حق و تکلیف والدین در تربیت کودکان تفسیر نمود، بنابراین جنبه‌های گوناگون آزادی برای کودکان نیز قابل پذیرش است، لیکن آزادی آنان در بیان عقاید، آزادی فکر، عقیده و انتخاب مذهب، آزادی شرکت در انجمن‌ها و مجامع مسالمت‌آمیز و برخورداری از حریم خصوصی جملگی صرفاً به عنوان ابزاری برای پیشرفت کودک بوده، محدود به اصول مسلم دیگر از جمله لزوم برخورداری آنان از تربیت مناسب، ضرورت زمینه‌سازی برای تفکر و رشد اندیشه و سایر حمایت‌های ضروری از کودکان است؛ فقدان رشد کامل فیزیکی و ذهنی و احتیاج کودک به مراقبت‌ها و محافظت‌های ویژه مؤید این مهم است. کنوانسیون جهانی کودک نیز همچون بسیاری از اسناد بین‌المللی، از سویی با هدف تضمین آزادی کودکان و از سوی دیگر، با عنایت به لزوم پذیرش محدودیت آزادی کودکان، برخی از اشکال محدود کردن آزادی‌های کودکان را مورد پذیرش قرار داده است، لیکن شایسته بود اصل تربیت و قواعد مربوط به آن به ویژه نقش نظارتی والدین را نیز به عنوان محدودکننده و حاکم بر آزادی‌های مزبور مورد تصریح قرار می‌داد. توجه به فلسفه اعطای آزادی به کودکان که همان رشد و بالندگی آنان می‌باشد، الزام مزبور را ایجاب می‌نماید، البته مطلوب مزبور با تفسیر صحیح کنوانسیون که با عنایت به مقدمه آن عملی خواهد بود، قابل تحصیل است.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه علی دشتی، ۱۳۸۵.
- ۳- آیتی، حمید، آزادی عقیده و بیان به همراه دو نوشته حقوقی دیگر، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۳.
- ۴- ابدالی، مهرزاد، حقوق کودک در کنوانسیون بین‌المللی و تطبیق با حقوق اسلام و ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- ۵- اسدی، لیلا سادات، حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای سابق)، بهار و تابستان ۱۳۸۸، شماره ۵۰، صص ۲۷-۴۵.
- ۶- آزادی بیان از دیدگاه اسلام، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله. (۱۳۹۲، ۹۲/۸/۲۳). <http://www.Bayynat.ir/index/?State&id۱۸۴>
- ۷- آیا واقعاً در اسلام آزادی بیان وجود دارد؟، پایگاه پاسخگویی به سؤالات و شبهات، (۱۳۹۲، ۹۲/۸/۲۳) <http://www.x-shobhe.com/print۳۲۶۶.html>
- ۸- پورقهرمانی، بابک، نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن، رواق اندیشه، فروردین ۱۳۸۳، شماره ۲۸، ۸۴-۶۷.
- ۹- حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشیعه، جلد ۱۵، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- ۱۰- صفایی، سید حسین؛ امامی، اسد الله، حقوق خانواده، جلد ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۱- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۲- غنوشی، راشد، آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی، ترجمه حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۹۴۱.
- ۱۳- فولادوند، م.. ترجمه قرآن قم: دارالقرآن الکریم دفتر مطالعات، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- قراچورلو، رزا، وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، نشریه وکالت، پاییز ۱۳۸۶، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۱۷-۱۲.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر. حقوق مدنی خانواده، جلد یک، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.



- ۱۵- محمدی، علیرضا، آزادی بیان، نشریه الکترونیکی پرسمان، www.porseman.org، (۱۳۹۱، ۹۲/۸/۲۳).
- ۱۶- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۲۴، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۵.
- ۱۷- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۲۵، تهران، صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۱۸- معظمی، شهلا، لزوم حمایت از زنان و اطفال، ۱۳۸۶.
- ۱۹- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.
- ۲۰- نقیعی، ابوالقاسم، نظریه جبران خسارت به حقوق معنوی کودک، ندای سابق، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۳۲، ۷۹-۵۸.
- ۲۱- وندر زندن، جیمز(بی‌تا)، روان‌شناسی رشد (۱ و ۲)، ترجمه حمید گنجی، تهران، مؤسسه نشر ساوالان.